

بررسی تطبیقی مؤلفه‌های شعری بدر شاکر السیاب و احمد شاملو

طیبه سیفی^۱

ولی امیدی پور^۲

سارا منصور^۳

چکیده

همگام با تغییر و تحولی در حوزه اندیشه و ساختار شعر غرب، شعر معاصر فارسی و عربی نیز به لحاظ ساختار و محتوا دچار تحول شد. واژگان، تراکیب و مضامین موجود در شعر معاصر نشان می‌دهد که شعر امروز به سرعت از زبان و بیان قدماى خود فاصله گرفته است، اگرچه بسیاری از ویژگیهای اصلی خود را حفظ کرده است که به اصول اولیه و کلی برمی‌گردد. تقریباً بسیاری از عوامل موثر در شکل‌گیری شعر نو پارسی، همچون دست و پاگیر بودن شعر موزون و مقفلاً، پاسخ‌گو نبودن مضامین رایج شعر کهن به نیاز جامعه و مسائلی از این دست، در شکل‌گیری شعر آزاد عربی نیز دخالت داشت. موضوعات مطرح در شعر معاصر، موضوعاتی است که به اقتضای زمان و عصر شاعران در اشعار آنها تجلی پیدا کرده است. شعر این دوره در یک نگاه شعری است موفق و پیشرو که توانسته در عمر تقریباً کوتاه خود به رشد و بلوغ تحسین برانگیزی برسد؛ شعری که زبان قومی و تأثیرگذار و نیز شاعران پراحساس و کوشای آن در جهانی کردن آن تأثیری بسزا داشته‌اند. پژوهش حاضر در نظر دارد با نگاهی به اشعار بدر شاکر سیاب و احمد شاملو به عنوان چهره‌های شاخص شعر معاصر به تحلیل و بررسی مؤلفه‌های شعری آنها بپردازد. لذا موضوعاتی از قبیل ۱- مشخصات شعری ۲- تنوع موضوعی ۳- نوستالژی (غم غربت) ۴- کاربرد اسطوره ۵- هنجارگریزی ۶- کاربرد موسیقی در این پژوهش مورد بررسی قرار خواهند گرفت.

کلید واژه‌گان: شعر معاصر، مؤلفه‌های شعری، سیاب، شاملو.

مقدمه

ادبیات تطبیقی پژوهشی بین رشته‌ای است که به مطالعه‌ی رابطه‌ی ادبیات ملت‌های مختلف با هم و بررسی رابطه‌ی ادبیات با هنرها و علوم انسانی می‌پردازد. هنری رماک^۱ یکی از بزرگترین پژوهشگران آمریکایی این حوزه در تعریف ادبیات تطبیقی می‌گوید: «ادبیات تطبیقی یعنی مطالعه‌ی ادبیات در آن سوی مرزهای یک کشور خاص، و مطالعه‌ی رابطه‌ی ادبیات با دیگر حوزه‌های دانش بشری چون هنرها، فلسفه، تاریخ، علوم اجتماعی، علوم ادیان و... به اختصار می‌توان گفت ادبیات تطبیقی، یعنی مقایسه‌ی ادبیات یک کشور با ادبیات یک یا چند کشور دیگر و نیز مقایسه‌ی با دیگر حوزه‌های دانش انسانی». (الخطیب، ۱۹۹۹، ص ۵۰) در تعریفی دیگر آمده است: ادبیات تطبیقی شاخه‌ای از نقد ادبی است که در آن به روابط و مناسبات بین ادبیات، ملل و اقوام مختلف جهان پرداخته می‌شود. اخذ اقتباس، نفوذ و تأثیرگذاری ادبی ملتی بر ملت دیگر از مباحث ادبیات تطبیقی است، مطالعه‌ی تطبیقی در حوزه‌های گوناگون علوم انسانی مانند فلسفه، جامعه‌شناسی و ادبیات می‌تواند انجام می‌گیرد. (صباحی مقدم، ۱۳۹۳، ص ۲۴۰) لذا در این بین رابطه‌ی دو زبان فارسی و عربی بسیار پررنگ و حائز اهمیت است. نگارندگان این مقاله برآنند تا با درنگی بر سروده‌های بدر شاکر سیاب شاعر عراقی و احمد شاملو شاعر ایرانی به عنوان دو سراینده‌ی بزرگ معاصر به تحلیل و واکاوی برجسته‌ترین مؤلفه‌های شعری آنها به روش توصیفی - تحلیلی بپردازند و به سوالات زیر پاسخ دهند.

۱- مؤلفه‌های مشترک در آثار بدر شاکر السیاب و شاملو کدامند؟

۲- چه عوامل و شرایطی به عنوان عوامل الهام بخش در خلق مضامین و موضوعات شعری شاعران مذکور است؟

^۱ استادیار گروه زبان و ادبیات عرب شهید بهشتی

^۲ کارشناسی ارشد زبان و ادبیات عرب

^۳ کارشناسی ارشد زبان و ادبیات عرب

۱-۱ پیشینه‌ی پژوهش و شرح موضوع

طی بررسی‌های به‌عمل آمده بدر شاکر سیاب و شاملو همواره مورد عنایت و توجه محافل ادبی و پژوهشگران بوده‌اند و کتب و مقالات متعددی در مورد هر کدام از این دو شاعر نگاشته شده است. از جمله‌ی این تلاش‌ها مقاله‌ی «مبارزه و پایداری در شعر بدر شاکر سیاب» نوشته‌ی امیر حسین رسول‌نیا و مریم آقا جانی است، که نویسندگان در این مقاله با نگاهی نو به شعر «انشوده المطر» سعی داشته‌اند ثابت کنند که سیاب در این شعر، از روحیه‌ی مقاومت و ظلم ستیزی برخوردار است و در ایجاد حس وطن‌دوستی، دفاع از خاک و تلاش برای رسیدن به وضع مطلوب در افراد زمانش مؤثر بوده است. پژوهشی دیگر تحت عنوان «بررسی مؤلفه‌های رمانتیسم در آثار بدر شاکر سیاب و قیصر امین پور» نوشته‌ی عباس گنجعلی و سکینه صارمی گروی است که نویسندگان، نحوه‌ی به‌کارگیری اصول و مبانی مکتب رمانتیسم و وجوه تفاوت و تشابه آن در آثار بدر شاکر سیاب و قیصر امین‌پور را بازیابی و بیان کردند. مقاله‌ای دیگر «بررسی تطبیقی بسامد کاربرد رنگ در اشعار نیمایوشیچ و بدر شاکر سیاب» نوشته‌ی طیبه سیفی و کبری مرادی است که نویسندگان بسامد کاربرد رنگ‌ها و جایگاه آن، در تصاویر شعری این دو شاعر را بررسی کردند. همچنین در این پژوهش دلالت‌های مشترک و متفاوت رنگ‌ها استخراج شده و اندیشه‌های مشابه آنها در به‌کارگیری این پدیده‌ی زیبایی‌شناسی تبیین گردیده است. مقاله دیگر «دغدغه‌های سیاسی در شعر سیاب و مهدی اخوان ثالث» نوشته‌ی جهانگیر امیری و فاروق نعمتی است و هدف نویسندگان از نگارش این مقاله این بوده است که ثابت کنند میان این دو شاعر اشتراکاتی وجود دارد، که برای بیان نوستالژی سیاسی از نمادهای طبیعی و اسطوره‌ها استفاده کرده‌اند، و اینکه احساس شکست و نومیدی سیاسی در شعر اخوان، نمود بارزتری نسبت به شعر سیاب دارد. علاوه بر همه‌ی این موارد کتب نقدی و غیر نقدی متعددی در مورد آثار شاملو نوشته شده است. عبدالعلی دستغیب از جمله نویسندگانی است که آثار شاملو را مورد نقد و بررسی قرار داده است و کتاب‌هایی در این زمینه تألیف کرده است. نویسندگان این پژوهش در نظر دارند به بررسی تطبیقی آثار بدر شاکر سیاب و احمد شاملو به شکلی متمایز پردازند که تاکنون مطالعه‌ای به این شکل صورت نگرفته است؛ چرا که در این پژوهش تلاش شد تا با استناد به منابع معتبر و کتب نقدی به بررسی و تطبیق آثار این دو شاعر پرداخته شود. لذا در این پژوهش ابعاد مختلفی از آثار این دو شاعر معاصر از قبیل: مشخصات شعری، هنجارگریزی، کاربرد اسطوره، موسیقی و . . . مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

مروری مختصر بر شرح حال دو شاعر

۲-۱ بدر شاکر سیاب
www.anjomanfarsi.ir

بدر شاکر سیاب در سال ۱۹۲۶ میلادی در یکی از روستاهای بصره از توابع عراق به نام «جیکور» نزدیک «ابوالخطیب» به دنیا آمد. (بیضون، ۱۹۹۱، ص ۱۴) بهترین دوران شاعر، دوران کودکی او بود؛ چرا که سرگرم بازی‌های کودکانه بود اما این خوشی دوامی نداشت؛ زیرا که در سال ۱۹۳۲ میلادی زمانی که شش ساله بود، مادرش از دنیا رفت. (بلاطه، ۱۹۹۱، ص ۲۱) بعد از سپری کردن دوران ابتدایی و دبیرستان وی در سال ۱۹۴۲ میلادی به دانشسرای عالی بغداد راه یافت و در رشته‌ی زبان و ادبیات عربی مشغول تحصیل شد. بعد از دو سال این رشته را رها کرد و به تحصیل رشته‌ی زبان انگلیسی پرداخت و در سال ۱۹۴۵ میلادی عضو حزب کمونیست عراق شد و به دلیل انجام فعالیت‌های سیاسی، پس از هشت سال از شغل خود برکنار شد. (عوض، ۱۹۷۸، ص ۱۴) در سال ۱۹۵۳ در پی شرکت در یک تظاهرات به ایران گریخت و از آنجا به کویت رفت، بعد از شش ماه به بغداد بازگشت و به کار روزنامه‌نگاری مشغول شد. در این سال‌ها بود که سیاب با صورت، مفاهیم و تازه‌هایی از شعر غربی آشنایی عمیق‌تری یافت. (شفیعی کدکنی، ۱۳۸۰، ص ۱۶۹) سیاب بعد از چندین بار ناکامی در عشق در سال ۱۹۵۵ میلادی با معلمی از «ابوالخطیب» به نام «اقبال» ازدواج کرد و در بغداد ساکن شد. (فاخوری، ۱۳۸۰، ص ۶۳۷) سیاب پس از مدتی به

بیماری سل و عارضه‌ی کم‌خونی مبتلا شد و او برای مداوا به بیروت، لندن و پاریس رفت، اما پزشکان بیماری او را لاعلاج دانستند. عاقبت در سن ۳۸ سالگی در لندن به سال ۱۹۶۴ میلادی چشم از جهان فرو بست. (عوض، ۱۹۷۸، ص ۱۶)

۳-۱ احمد شاملو

احمد شاملو در سال ۱۳۰۴ (هـ.خ) از پدری سپاهی و مادری که در غیاب پدر، خانواده را اداره می‌کرد، در تهران به دنیا آمد. دوران کودکی را در خاور و جنوب خاوری ایران گذراند و با دشت‌های تفته و آفتاب سوزان و مردم کوشای آن‌جا آشنا شد. شاملو که به واسطه‌ی سوانح زیاد نتوانست متوسطه را به پایان برساند، به مدرسه‌ی اجتماع گام نهاد. ناسیونالیست و طرفدار حزب نازی شد. پس از اشغال ایران از سوی متفقین، به زندان افتاد و یک سال در بند ماند. پس از رهایی از زندان به کار روزنامه‌نویسی پرداخت. شاملو سه بار ازدواج می‌کند و همسر سومش «آیدا» الهام‌بخش اشعار تازه و عاشقانه‌ی او می‌شود. شاملو در دهه‌ی ۵۰ به سبب دشواری‌های کار و فشار حاکمیت آن روزها به انگلستان و آمریکا سفر کرد و با انتشار مقاله‌ها و اشعار با خودکامگی‌های آن حاکمیت به جنگ برخاست، سخنرانی نمود و مجله چاپ کرد و سخنگوی مبارزان برون مرزی شد. شاملو در سال‌های پایانی زندگانی در «دهکده‌ی» کرج اقامت گزید و هم‌چنان شعر می‌سرود و ترجمه می‌کرد، اما ناگهان بیماری دیابت او را از پای درآورد و مرگ به زندگانی او پایان داد. (دست‌غیب، ۱۳۸۵، ۱۰ تا ۱۵)

۱-۲ دو مشخصه‌ی شعری

هر شاعر واقعی کیفیات روانی و جریان‌ات انفعالی و عاطفی مخصوص به خود را دارد که نتیجه‌ی مراحل رشد فکری و روحی و محیط پیرامون اوست و از همین روست که یک رگه‌ی اصلی و یک فضای ویژه را در تمام آثار خویش جلوه می‌دهد، و چون ماهیت آن یکی است شعر وی نیز همواره از آن فضا و رگه‌ی اصلی برخوردار می‌شود و ما به‌وسیله‌ی همین رگه‌ی آشناست که که شاعر آن را می‌شناسیم. (حقوقی، ۱۳۸۰، ص ۳۲) بنابراین هر شاعری در سرودن اشعارش معیارها و ملاک‌هایی را به‌کار می‌گیرد، ویژگی‌ها و مشخصات خاصی به شعرش می‌دهد که وی را از سایر شاعران ممتاز می‌کند. در این پژوهش به برخی از مشخصات شعری دو شاعر اشاره خواهیم کرد.

۲-۲ تناسب تعابیر و تصاویر

بسیار دیده شده است که در اغلب شعرهای امروز بیشتر تشبیهات، استعارات و دیگر تصاویر شعری بی‌جا و بی‌تناسب نشسته‌اند، و این نشان می‌دهد که اغلب شاعران از راز تناسب تصویر با محتوا بی‌خبرند و اصولاً نمی‌دانند که استفاده از تصویر به صورت منتزع و صرفاً تظاهر به نیروی تخیل، جز یک بازی مصنوعی نیست. در صورتی که در شعر شاعران واقعی و اصیل، حتی یک تصویر بدون تناسب با رگه‌ی اصلی محتوای شعر دیده نمی‌شود. (همان، ص ۳۶)

علی‌رغم اینکه سطح عمومی قدرت تعبیرات سیاب بالاتر از متوسط است، اما نشانه‌های ضعف در این‌جا و آن‌جا پراکنده است. در قصاید اولیه‌ی او بذره‌ای قوت و ضعفش با هم است. قدرت وی در کناره‌گیری یا اوج در تصویر-هایش است و ضعفش نیز در تعبیراتش یا پناه بردنش به تضمین همچنان‌که می‌گوید:

«و سَرَى الْعَمَامُ عَلَى الْحَقُولِ فَرَجَعَتْ / أَنهَارَهَا لَحْنَا أَهَاجَ غَرَامَهُ / وَ شَجَوْنَهُ، فَجَرَتْ هُوَ أَطْلُ دَمْعَهُ / وَ عَدَا يَرِيقُ عَلَى الْفُرُوعِ مَدَامَةً»

ضعف تعبیر به زودی او را قانع می‌سازد، که به‌طور مساوی شاعر در آهنگ‌ها و نغمه‌هایش به اضطراب پناه ببرد و همین موضوع او را به ضعف دچار می‌کند. (عباس، ۱۹۹۲، ص ۳۰)

«سرود آنکس که از کوچه به خانه باز می‌گردد» از ساده‌ترین شعرهای شاملوست، رگه‌ی اصلی محتوای آن، پایان سرگردانی مردی است که از کوچه‌گریزان شده و لاجرم به خانه‌ای که نشانه‌ی جمعیت خاطر شاعر با «او» است، مشتاق گشته است:

«نه در خیال، که رویاروی می‌بینم / سالیانی بار آور را که آغاز خواهم کرد / خاطره‌ام که آستن عشقی سرشار است / کیف مادر شدن را / در خمیازه‌های انتظاری طولانی / مکرر می‌کند.»
 نهایت هماهنگی تعبیرهای گوناگون این شعر را وقتی می‌توان احساس کرد که دانست تنها بازگرداننده‌ی شاعر از کوچه به خانه، زنی است برگزیده، زنی که موجب شده است در لحظات سرایش شعر، تمامی تعبیرات به مناسبت رهایی از کوچه و پناه به خانه‌ی جدید در ذهن شاعر شکل گرفته شود. (حقوقی، ۱۳۸۰، ص ۳۶ و ۳۷)

۲-۳ پاره‌ها و سطرهای ناب

وجود هر چه بیشتر پاره‌ها و سطرهای ناب، مهم‌ترین معیار مراتب قدرت خلاقه‌ی هر شاعر و مبین مدارج هنری هر شعری است و جرقه‌های آن را از همان ابتدا در شعر هر شاعری می‌توان دید و با توجه به آن سطور و پاره‌ها، مرتبه‌ی استعداد شاعری همه‌ی شاعرانی را که بر پله‌های مختلف نشسته‌اند و در درجات مختلف هستند می‌توان شناخت. (همان، ص ۳۹)

یکی از ویژگی‌های برجسته‌ی آثار شعری سیاب وجود قسمت‌ها و پاره‌های تأثیرگذار و قوی است که سیاب در لابه‌لای بیشتر آثارش از آن‌ها برای هرچه زیباتر کردن شعرش بهره‌مند گشته است. وی برای خلق و بیان این ویژگی از شیوه‌های مختلفی استفاده کرده است، بارزترین آن‌ها زبان نمادین و سمبلیک است که به‌طور ویژه در قصیده‌های «انشوده‌المطر» و «مدینه بلا المطر» مشهود است. وی برای ترسیم فضای حاکم بر قصاید ذکر شده واژه‌ها، پاره‌ها و سطور را به‌کار می‌گیرد که در نوع خود بی‌نظیرند. در ابتدای قصیده‌ی «انشوده‌المطر» شاعر با استفاده از واژه‌ها و پاره‌هایی ناب چشمان معشوقش را توصیف می‌کند به‌طوری که برای مخاطب تصویری زنده خلق می‌کند. انتخاب واژگان متناسب با مضمون و ترکیب و کنار هم گذاشتن آن‌ها سبب بروز پاره‌ها و سطور زیبایی می‌شود که زیبایی کار سیاب را دوچندان کرده است.

«عَيْنَاكِ غَابَتَا نَحِيلَ سَاعَةَ السَّحَرِ / أَوْ شُرْفَتَانِ رَاحَ يَنْأَى عَنْهُمَا الْقَمَرُ / عَيْنَاكِ حِينَ تَبْسُمَانِ تُورِقُ الْكُرُومُ / وَتَرْقُصُ الْأَضْوَاءُ... كَالْأَقْمَارِ فِي نَهْرِ / يَرْجُءُ الْمَجْدَانُ وَهَنًا سَاعَةَ السَّحَرِ / كَأَنَّمَا تَبْضُ فِي عَوْرَتَيْهِمَا، النُّجُومُ...» (السياب، ۲۰۰۰، ص ۲۵۳)

همچنان‌که شاملو در کم‌تر شعری از اوست که نظیر این پاره‌های نو و سطرهای تازه نتوان دید:
 «رود - قصیده‌ی بامدادی را - در دلتای شب - مکرر می‌کند / و روز / از آخرین نفس شب پر انتظار - آغاز می‌شود
 ...»

با التفات به یکنواختی نوع قصیده در شعر و قافیه‌های معین و نردبانی آن که حکایت از یکنواختی صبح‌های شاعر می‌کند، صبح‌های متوالی که در واقع نتیجه‌ی خستگی و بطالت شب‌ها و روزهاست، قطعا یکی از تازه‌ترین توصیف‌هایی است که در وصف صبح نوشته شده است (حقوقی، ۱۳۸۰، ص ۳۹).

در نهایت چنین به نظر می‌رسد که در بررسی مشخصات شعری دو شاعر هم تشابه وجود دارد هم تفاوت؛ وجود پاره‌ها و سطرهای ناب، در آثار شعری دو شاعر از موارد تشابه و همچنین تناسب تعبیر و تصاویر در نزد احمد شاملو و استفاده از تعبیر ضعیف از سوی بدر شاکر سیاب تفاوتی که قابل توجه است.

۳-۱ کاربرد اسطوره

اسطوره در لغت به معنای گفتاری است که هیچ‌گونه پایه و اساسی ندارد و از آن به‌عنوان گفتاری باطل، یاد شده است. (ابن منظور، ۱۴۱۴، ص ۳۶۳) تعاریف بسیار مختلفی در میان دانشمندان وجود دارد که هر یک براساس مبنا و

رویکردی مخصوص در مورد اسطوره می‌باشد. اما بسیاری از آن‌ها اذعان کرده‌اند، تعریفی که بتوان تمام اسطوره‌ها را با وسعتی که دارا هستند، را در بر گیرد و مانع موارد غیر باشد، قابل بیان نیست؛ اما در عین حال می‌توان بیانی در مورد اسطوره داشت که در فهم معنا و مراد امروزی آن کمک کننده باشد: «اسطوره عبارت است از روایت یا جلوه‌ای نمادین درباره‌ی ایزدان، فرشتگان، موجودات فوق طبیعی و به‌طور کلی جهان‌شناختی که یک قوم به‌منظور تفسیر خود از هستی به‌کار می‌بندد. (اسماعیل‌پور، ۱۳۸۷، ص ۱۴)

زبان نمادین و اسطوره‌ای، در شعر معاصر جایگاهی در خور یافته است. اسطوره‌ها در هر سرزمینی بخشی از هویت و فرهنگ آن سرزمین به‌شمار می‌روند و شاعران با بهره‌گیری از آن‌ها افزون بر اینکه شعر خود را هنرمندانه‌تر می‌سازند، می‌توانند دغدغه‌ها، دل‌مشغولی‌ها و خواسته‌های خود را از طریق آن‌ها با زبانی غیر مستقیم به جامعه منتقل کنند. شاعران معاصر ایرانی و عربی نیز از این امر مستثنی نبوده‌اند و با بهره‌گیری از اساطیر و زبانی نمادین به آفرینش شعر پرداخته‌اند.

دلایل متعددی سبب شد که بدر شاکر سیاب به اسطوره و زبان نمادین برای بیان مقصود خود گرایش پیدا کند؛ اوضاع متشنج سیاسی و اجتماعی، تحولات منفی در حوزه‌ی سیاست عراق و شرایط بحرانی جسمی و روانی سیاب می‌تواند از علل گرایش وی به این سمت باشد. وی اساطیر مختلفی را در شعرش آورده است، از جمله مهم‌ترین آن‌ها اساطیر بابل و یونان است.

هیچ شاعر عربی اسطوره را مثل سیاب به‌کار نگرفته است؛ تا جایی که قصیده‌ای از بدر را نمی‌توان یافت که خالی از رمز و اسطوره باشد. اسطوره جزئی از اجزاء قصیده بدر شده است. همچنان‌که در قصیده‌ی «مدینه بلا مطر» آمده است که تعداد زیاد اسطوره در این قصیده به غنای آن کمک کرده است. بدر تلاش کرده است که پناه بردن خود به اسطوره را توجیه و تفسیر کند و در این باره می‌گوید: «یکی از نموده‌های شعر جدید پناه بردن به خرافه، اسطوره و رمزهاست و در گذشته به رمز و اسطوره مثل الان احتیاج نبود» (السیاب، ۲۰۰۰، ص ۳۱ و ۳۲). به هر حال دنیای اسطوره بی‌نیاز از واقعیت است، این همان دلیلی است که باعث شده بدر به سمت آن برود؛ بعد از آن‌که نا-امیدانه و شکست‌خورده فرار می‌کند؛ به‌ناچار باید به اسطوره پیردازد. سیاب در قصیده‌ی «مدینه بلا مطر» از اسطوره مدد گرفته و با زبانی رمزگونه بیان می‌کند که در شهر چیزی از حاصلخیزی، زندگی و آبادانی وجود ندارد در حالی که آسمانش ابری است قطره‌ای باران هم نمی‌بارد و هیچ‌گونه طراوت و تازگی وجود ندارد. وجود نفی‌های زیاد در این قصیده نشان از نفی حیات و چیزهایی است که سبب حیات می‌شود. استفاده‌ی سیاب از انواع نفی برای انکار حیات و حاصلخیزی در ابیات زیر آمده است.

مَرَّتِ الْأَعْوَامُ، كَثِيرًا مَا حَسَبْنَاهَا / بَلَا مَطَرٍ وَ قَطْرَةٍ / وَ لَا زَهْرٍ وَ لَوْ زَهْرَهُ / بَلَا ثَمَرٍ كَأَنَّ نَخِيلَنَا الْجَرْدَاءُ أَنْصَابُ أَقْمَانَا / لِنُدْبِلُ نَحْتَهَا وَ نَمُوتَ. (همان، ص ۲۶۱)

شاملو نیز برای ساختن فضای شعری، از برخی از اسطوره‌های ایرانی یا یونانی بهره می‌گیرد. این اسطوره‌ها بیشتر رنگ اجتماعی و رنگ زندگانی امروزی به‌خود گرفته است. (دستغیب، ۱۳۸۵، ص ۱۰۲) به‌نظر می‌رسد عاملی اصلی، ذهنیت اسطوره‌ساز او است که با تأثیر پذیری از اندیشه‌ی انسان‌گرایانه‌ی حاکم بر شعر معاصر، در صدد است که به جای روایت‌های گوناگون اسطوره‌ای از پهلوانان باستان، اسطوره‌ی «انسان» را بسازد؛ آن‌هم انسان متحول معاصر را که برای به‌دست آوردن حقوق پایمال‌شده‌ی خود به‌پا خواسته است. (سلاجقه، ۱۳۸۷، ص ۸۲)

از نظر شاملو همان‌طور که انسان با دست‌های توانایش بذر می‌افشاند و حریر و دیبا می‌بافد می‌تواند دیگری را هم بکشد و یا برده‌ی خود کند پس خصلتی متضاد دارد، انسان برده و دریند می‌تواند سر تسلیم پیش گیرد و نیز می‌تواند زنجیرهای بردگی را بگسلد و بگوید:

«هایلم من / و در کدو کاسه‌ی جمجمه‌ام / چاشت سر پزشک را نواله‌ای هست / به غریوی تلخ / نواله را به کامش زهر افعی خواهم کرد / بامدادم آخر / طلیعه‌ی آفتابم!»

در اینجا شاملو از قوه‌ی اسطوره‌پردازی خود مدد گرفته است و مسائلی را مطرح میکند که بر زبان آوردن و عمل کردن به آن از پهلوانی ساخته است که با دلیرانه گام نهادن در راه، تونل زدن در کوه ناممکن، دلیل وجودی خود را می‌یابد و اثبات می‌کند. (دستغیب، ۱۳۸۵، ص ۱۳۴)

بنابراین بدر شاکر سیاب اسطوره را برای بیان دغدغه‌های سیاسی و اجتماعی و بیان نابسامانی‌های روحی و روانی به‌کار می‌گیرد؛ اما شاملو از اسطوره به‌عنوان ابزاری برای بیان آراء سیاسی اجتماعی دیدگاه‌های انسان‌گرایانه و حالات نفسانی‌اش استفاده کرده است.

۳-۲ نوستالژی

نوستالژی یک احساس طبیعی، عمومی و حتی غریزی در میان نژادهای گوناگون به طور کلی تمام انسان‌هاست و از دوران گذشته نشأت می‌گیرد. از مهم‌ترین عوامل این احساس می‌توان مهاجرت، از دست دادن عزیزان، خاطرات دوران کودکی و ... نام برد. (شاملو، ۱۳۷۵، ص ۱۷)

بدر شاکر سیاب به‌عنوان یکی از شعرای معاصر عرب علاوه بر ایجاد نوآوری در ساختار و قالب شعر در نحوه‌ی استفاده از مضامین و موضوعات نیز خلاقیت و نوآوری داشته است. وی علاوه بر ابداع شیوه‌ای نو در کاربرد واژگان از نظر نحوه‌ی تأثیرگذاری و بازنمایاندن مضمون شعری متفاوت عمل کرده است. شعر «لأنتی غریب»، در بردارنده‌ی مضمون نوستالژی است، و شاعر غم غربت و دوری از عراق را به‌تصویر کشیده است.

«لأنتی غریب/ لأنّ العراق الحبيب/ بعيد، و إني هنا في الشتيق/ إلیه، إلیها... أنادی: عراق»

شاعر حس دوری از وطن و نشنیدن پاسخ وطن را با پیش کشیدن جهانی بی‌روح و پر از سکوت مرگ، را به زیبایی به تصویر می‌کشد، بخصوص با تعبیری بدیع، تسلط مرگ را تا به‌حدی می‌داند که از شاخه‌ها نیز مرگ می‌ریزد؛

«أحسُّ بأنّی عبرتُ المدی/ ای عالم من ردی لا حبيب/ ندائی/ أما هرتُ العضون/ فما يتساقط غير الردی» (سیاب، ۲۰۰۰، ص ۱۲۵)

در جملات پایانی شعر نیز نحوه‌ی کاربرد واژگان به‌طور کلی رنگ و نوع واژگان در القای این حس، تأثیری بسزا دارند. واژگانی چون خون، صخره، بیابان... «و حتّی الهوا الرطیب/ حجارٌ و حتّی الهوا الرطیب/ حجارٌ بندیه بعض الدّم/ حجارٌ ندائی و صخرٌ قَمی/ و رجلاّی ریحٌ تجوبُ القفاز/ و رجلاّی» (همان، ص ۱۲۵)

شاملو زندگی پر فراز و نشیبی را از سر گذراند. کودکی و نوجوانی او در خراسان، بلوچستان و سیستان وی را با فقر و سختی‌های زیست مردم، خانواده و خودش آشنا کرد. (دستغیب، ۱۳۸۵، ص ۱۵) وی بارها به زندان افتاد. شرایط سیاسی و اجتماعی حاکم بر اوضاع زندگی‌اش، مهاجرت و دلایلی از این دست سبب شد که شاملو به سمت سرودن اشعاری روی آورد که اصطلاحاً به آن نوستالژی می‌گویند در ادامه اشعاری آورده می‌شود که مضمون و معنای نوستالژی را در شعر شاملو می‌رساند:

(بگذار/ بر زمین خود بایستم/ بر خاکی از براده‌ی الماس و درد/ بگذار سرزمینم را/ زیر پای خود احساس کنم./ و صدای رویش خود را بشنوم:/ رپ رپ‌ی طبل‌های خون را/ در چیتگر/ و نعره‌ی بیرهای عاشق را/ در دیلمان/ و گرنه چه هنگام می‌زیسته‌ام/ کدام مجموعه‌ی پیوسته‌ی روزها و شبان را/ من؟) (همان، ص ۱۵۹)

طرح مضمون غم غربت یا اصلاحاً نوستالژی در اشعار سیاب و شاملو یکی از مشخصات برجسته‌ی شعری آن-هاست، که در نمونه‌های حاضر این غربت، حزن و اندوه و بیگانگی نمود پیدا کرده است. حزن که شاید متأثر از فضای حاکم بر عصر هر دو شاعر باشد. عصری که جنگ جهانی دوم، مرگ و بیگانگی و حزن و اندوه را در زندگی عرب و عجم وارد کرده بود و شاعران این دوره (معاصر) را به سمت اندوه سرایی و طرح مسأله‌ی غم غربت کشانده بود.

۳-۳-۳ هنجارگریزی (آشنایی زدایی)

هنجارگریزی، انحراف یا خروج از هنجارهای متداول و پذیرفته شده در محور زبان است که در صورت کاربرد مناسب می‌تواند هنری باشد؛ به برجسته‌سازی در زبان بینجامد و به هنجارهای خودکار شده‌ی زبان که دیگر قادر به انتقال زیبایی و شگفتی در آن نیستند خاتمه دهد. (سلاجقه، ۱۳۸۷، ص ۵۰) در ادبیات عربی شاعران بعد از جنگ جهانی دوم به جریان نوگرایی روی آوردند و به رد بسیاری از هنجارهای پذیرفته شده شعر و نثر پرداختند. نخستین کسانی که به نوگرایی در ادبیات عربی پرداختند بدر شاکر السیاب و نازک‌الملائکه بودند. (عباس، ۱۳۸۴، ص ۶۰) هنجارگریزی را به انواعی تقسیم کرده‌اند که عبارتند از: ۱- واژگانی ۲- نحوی ۳- آوایی ۴- نوشتاری ۵- معنایی ۶- گویشی ۷- سبکی ۸- زمانی. (صفوی، ۱۳۷۳، ص ۴۶) نویسندگان در این نوشتار قصد ندارند به بررسی کامل و جامعی در این زمینه بپردازند، بلکه صرفاً برای طرح گوشه‌ای از اشتراکات بدر شاکر سیاب و شاملو به بیان نوعی از انواع هنجارگریزی در شعر این دو شاعر بسنده کرده‌اند، که به اختصار بیان خواهد شد.

۱-۳-۳-۳ هنجارگریزی معنایی

این‌گونه هنجارگریزی بیشتر در حوزه‌ی معنایی سخن ایجاد می‌شود و به‌طور کلی، در محور دلالتی زبان می‌توان آن را مورد بررسی قرار داد؛ در محوری متفاوت با معنای قراردادی زبان که از هم‌نشینی واژگان حاصل می‌آید. به تعبیری دیگر، این هنجارگریزی، دخل و تصرف در حوزه‌ی معنایی سخن به‌وسیله‌ی نقل و انتقال در محور هم‌نشینی و جان‌نشینی است. این هنجارگریزی، به‌طور معمول، انواع برجسته‌سازی‌های حاصل از عناصری مانند، مجاز مرسل، استعاره، نماد، اسطوره، تمثیل، تشبیه، طنز، کیفیت هنری گزاره‌ها و چگونگی طرح «خبر عظیم»، توصیف و بخشی از آرایه‌های ادبی را در بر می‌گیرد، (سلاجقه، ۱۳۸۷، ص ۶۱) در ادامه‌ی این پژوهش ما به چند مورد از انواع هنجارگریزی معنایی در شعر سیاب و شاملو اشاره خواهیم کرد.

یکی از ویژگی‌های مهم شعر سیاب هنجارگریزی است، که در محورهای متعددی صورت گرفته و به برجستگی هنری در آثار وی انجامیده است. استفاده‌ی مناسب و هدفمند سیاب از انحراف و خروج از هنجارهای پذیرفته شده و متداول زبان سبب شده که اشعار وی از نظر استحکام، تأثیرگذاری و زیبایی در مرتبه‌ی بالایی قرار گیرد. در ادامه نمونه‌هایی از کاربرد سیاب از هنجارگریزی معنایی را در شعر وی خواهیم آورد:

۱-۳-۳-۳ تشبیه

«كَالشَّاطِئِ الْمَهْجُورِ قَلْبِي، لَا وَمِضٌّ وَلَا شِرَاعٌ / فِي لَيْلِهِ ظِلْمَاءٌ، بَلْ فُضَاءٌهَا الْمَطَرُ الثَّقِيلُ / لَا صَرَخَةَ اللَّقِيَا تُطِيفُ بِهِ وَلَا صَمْتَ الرَّحِيلِ» (السیاب، ۲۰۰۰، ص ۶۹)

در این مورد سیاب تشبیه را برای برجسته‌سازی آثار خود برگزیده است

۲-۱-۳-۳ استعاره

«لِيعَوْ سَرَبْرُوسٌ فِي الدَّرُوبِ / فِي بَابِلَ الْحَزِينَةِ الْمُهْدَمَةِ / وَ يَمَلَأُ الْفُضَاءَ زَمَزَمُهُ / يُمَزَّقُ الصَّغَارُ بِالنِّيُوبِ، يَقْضِمُ الْعِظَامَ / وَ يَشْرِبُ الْقُلُوبَ / عَيْنَاةً نَيْرَكَانَ فِي الظَّلَامِ» (همان، ص ۲۵۸)

در این نمونه سیاب از استعاره‌ی «لِيعَوْ سَرَبْرُوسٌ فِي الدَّرُوبِ» استفاده کرده است.

۳-۱-۳-۳ تشخیص

«أَتَعْلَمِينَ أَي حَزْنٍ يَبْعَثُ الْمَطْرُ؟ / وَ كَيْفَ تَنْشِجُ الْمَزَارِيبَ إِذَا أَنْهَمِرُ؟ / وَ كَيْفَ يَشْعُرُ الْوَحِيدُ فِيهِ بِالضِّيَاعِ / بَلَا أَنْتَهَاءِ - كَالدَّمِ الْمَرَاقِ، كَالجِيَاعِ، / كَالْحَبِّ، كَالْأَطْفَالِ، كَالْمَوْتِ - هُوَ الْمَطْرُ! / وَ مَقْلَتَاكَ بِي تَطِيفَانِ مَعَ الْمَطْرِ / وَ عِبْرَ أَمْوَاجِ الْخَلِيجِ تَمْسَحُ جُومَ وَ الْمَحَارَ / كَأَنَّهَا تَهْمُ بِالشَّرُوقِ» (همان، ص ۲۵۴ و ۲۵۵)

در این مثال سیاب از صنعت تشخیص استفاده کرده و با نسبت دادن افعال انسانی به اشیاء و عناصر طبیعت به زیبا-سازی و تصویرسازی پرداخته است.

۳-۳-۱-۴ اسطوره

«رَحَلَ النَّهَارُ / هَا إِنَّهُ انْطَفَأَتْ دُبَّالْتَهُ عَلَى أَفْقِ تَوْهُّجِ دُونَ نَارٍ / وَجَلَسَتْ تَنْتَطِرِينَ عَوْدَةَ سَنْدَبَادٍ / وَ الْبَحُورُ يَصْرُخُ مِنْ وَرَائِكَ بِالْعَوَاصِفِ وَ الرَّعُودُ / هُوَ كَنْ يَعُودُ / رَحَلَ النَّهَارُ / فَلْتَرَحَلِي هُوَ كَنْ يَعُودُ» (همان، ص ۱۴۱)
شد پس از اینجا کوچ کن او هرگز بر نمی‌گردد.)
سیاب در قصیده‌ی «رَحَلَ النَّهَارُ» از اسطوره‌ی سندباد الهام گرفته و تجربه‌های سیاسی شکست خورده‌ی خود را به تصویر می‌کشد.

احمد شاملو نیز از نمونه‌های هنجارگریزی معنایی در جهت برجسته‌سازی و هنری کردن اشعار خود بهره برده است. وی انواع مختلف هنجارگریزی معنایی را در شعر خود آورده است که به اختصار نمونه‌هایی آورده می‌شود.

۳-۳-۱-۵ تشبیه

«دهلیزی لا ینقطع / در میان دو دیوار / و خلوتی / که به سنگینی / چون گیری عصاکش / از دهلیز سکوت می‌گذرد.»
در این مورد شاملو با استفاده از تشبیه به تصویرسازی پرداخته است. تشبیه (به سنگینی گذاشتن خلوت) به «گذشتن پیر عصاکش از دهلیز سکوت» مرکب است که تمام حالات و حرکات به تصویر کشیده است (سلاجقه، ۱۳۸۷، ص ۶۴).

۳-۳-۱-۶ استعاره

«نخل من ای واحه‌ی من! / در پناه شما چشمه‌سار خنکی است / که خاطره‌اش عریانم می‌کند.»
«عریان شدن» در این شعر، استعاره‌ی فعلی یا تبعیه است اما از نوع برجسته و هنری؛ و تشخیص اینکه دقیقاً به جای چه فعلی به کار رفته است، مشکل است. (همان، ص ۶۶)

۳-۳-۱-۷ تشخیص

«بن بست سر به‌زیر / تا ابدیت گسترده است / دیوار سنگ / از دست‌رس لمس به‌دور است... خانه‌ها در معبر باد استوار / نااستوارند / درخت در معبر باد جدی / عشوه می‌فروشد...» (همان، ص ۷۹)

۳-۳-۱-۸ اسطوره

«مرمر خشک آبدان بی‌ثمر / آئینه‌ی عریانی‌ی شیرین نمی‌شود / و تیشه‌ی کوه‌کن / بی‌امان ترک / اکنون / پایان جهان را / در بغضی بی‌رؤیا / تیره می‌کوبد.» (همان، ص ۸۱)

۳-۴ موسیقی

به‌طور کلی موسیقی در شعر بدر تند است، حتی زمانی که شعرش زمزمه یا رئاست، تند بودن آن نیز به این دلیل است که بدر به موسیقی بیرونی حریص بوده است. وی از نظر پختگی و پیشرفت در مسیر مخالف عموم در شعر نو حرکت می‌کرد، اما او در حقیقت نمونه‌ی بسیار خوبی از موسیقی خارجی و گاه داخلی را به شعر نو تقدیم می‌کرد که به تجربه‌ی شعری، غنا و حرارت اشعارش می‌افزود. بدر از بحرهای شعر عربی استفاده می‌کرد؛ رجز را به کار می‌گرفت همچنان که در شعر «انشوده المطر» آن را به کار گرفته است. در جایی دیگر یکی از شاخه‌های بحر سریع را به کار برده و آن را به بهترین صورت ممکن در شعر «رساله من مقبره» آورده است. بدر گاهی مواقع به انتقال از بحری به بحر دیگری پناه می‌برد تا از انواع نغمه‌ها استفاده کند (السیاب، ۲۰۰۰، ص ۳۲ و ۳۳). بدر شاکر سیاب آن اندازه

هستیم؛ شعری که در یک فرایند هنری شکل گرفته و احساس و عاطفه‌ی درونی شاعر را در ستایش آزادی بیان می‌دارد. (سلاجقه، ۱۳۸۷، ص ۱۶ و ۱۱۷) شاملو در اعتقاد به آزادی انسان تا حدی پیش می‌رود که در بسیاری از موارد او را به درجه‌ی خداگونه‌ای می‌رساند:

«من بی‌نوا بنده‌گکی سر به راه نبودم / و راه بهشت مینوی من / بزر و طوع و خک‌ساری / نبود / مرا دیگر گونه
خدائی می‌بایست / شایسته‌ی آفرینه‌ئی / که نواله‌ی ناگزیر را / گردن کج نمی‌کند / و خدائی / دیگر گونه / آفریدم . . .»
(همان، ص ۱۱۵)

۳-۶-۲ عشق

بیشتر شاعران متناسب با حالات و انفعالات روحی خویش عشق را در آثار شعری خود جلوه داده‌اند و برای تسکین آلام خود به این وادی قدم نهاده‌اند. سیاب از جمله شاعران عاشق پیشه بوده و طبیعی است، که به این سمت کشیده شود. سیاب بعد از ترک «جیکور» و زندگی در شهر بغداد چند تجربه‌ی تلخ عاشقانه داشت، که در یکی از آن‌ها عاشق دختری به نام «وفیقه» بود. عاقبت وفیقه ازدواج کرد و این اتفاق تأثیر زیادی بر روحیه و خصوصاً اشعار وی داشت. سیاب در اشعاری که این موضوع و مضمون را بیان کرده تلخی و اندوه عشق خود را بیان کرده است، هم-چنان که در نمونه‌ی زیر از اشعار وی شاهدیم:

«أَتَدْرِينَ عَن رَّبِّهِ الرَّاعِيَاتِ / عَن الرَّيْفِ؟ عَمَا يَكُونُ الْجَوَى؟ / هُوَ الرَّيْفُ؟ هَلْ تَبْصِرِينَ النَّخِيلَ / وَ هَذِي أَغَانِيهِ
هَلْ تَسْمَعِينَ؟ / أَشَاهِدْتِ يَا غَابَ رَقْصِ الضِّيَاءِ / عَلَى قَطْرَةٍ بَيْنَ أَهْدَابِهَا» (السياب، ۱۹۷۱، ص ۲۷)

«عشق» از درون مایه‌های شعر شاملوست. در همه‌ی دفترهای او سخن عشق مکرر می‌شود. در «شبانها» عشق هم‌چون چراغی در میان تاریکی‌های جهان پیرامون شاعر می‌درخشد. در «هوای تازه» عشق شاعر به معشوق هنوز جنبه‌ی مشخصی نیافته و به آن معنی که در «آیدا در آینه» می‌بینیم به سراغ او نیامده است. در «آیدا در آینه» و «آیدا و درخت . . .» چهره‌ی زنی «آیدا»، همراه واقعیت‌های تلخ زمانه جلوه‌گر می‌شود. به‌طور کلی شعر شاملو هم عارفانه است و هم عارفانه نیست. شاملو هر چند در محراب عشق، مقدسانه زانو زده است باز ادراک او، ادراک شاعری است امروزی. این عشق نمودهای طبیعی زندگانی و طبعاً وقایع اجتماعی را به دنبال می‌کشد. عشق در شعرهای شاملو با درد قرین است، و اندوه را با این عشق همراه می‌بینیم.
«روی تو خوش می‌نماید آینه‌ی ما / کآینه پاکیزه است و روی تو زیبا / ... یارم شود به صورت آئینه‌ای که من / رخساره‌ی رقیقان بشناسم اندر او / ... از مهتابی / به کوچه‌ی تاریک / خم می‌شوم / و به جای همه‌ی نومیدان / می‌گریم.» (دست‌غیب، ۱۳۷۳، ص ۱۱۲، ۱۰۹، ۱۰۸ و ۱۱۳)

۳-۶-۳ مرگ

مرگ یکی از موضوعاتی است که شاعران و نویسندگان بسیاری در آثار خود به آن پرداخته‌اند. سیاب در دوران کودکی، مادرش را از دست داد و از مهر و محبت او محروم ماند، همین امر وی را به مسیری برد که از مرگ و غم مرگ عزیزانش بسراید. مرگ مادرش ضربه‌ی روحی بزرگی بود که روح و روان سیاب را غم‌انگیز کرده بود تا حدی که وی آن را تلخ‌ترین خاطره‌ی زندگیش می‌خواند که هیچ‌گاه از ذهنش پاک نخواهد شد
«تَتَأَبُّ الْمَسَاءَ وَالْغُيُومَ مَا تَزَالُ / تَسْحَحُ مَا تَسْحَحُ مِنْ دُمُوعِهَا الثَّقَالَ / كَمَا نَ تَطْفَلُ بَاتِ / التِّي أَفَاقَ مِنْذَ عَامٍ / فِلمَ يَجِدُهُ ،
ثَمَ حِينَ لَجَّ فِي / يَهْدِي قَبْلَ أَنْ يَنَامَ / بِأَنَّ أَمَالَ السُّؤَالَ / قَالُوا لَهُ : بَعْدَ غَدٍ تَعُودُ / لَا بَدَّ أَنْ تَعُودَ وَ إِن تَهَامَسَ الرَّفَاقُ أَنِهَا
هَنَاكَ / فِي جَانِبِ التَّلِّ تَمَامَ نَوْمَةِ اللَّحْپُودِ / تَسْفَمُنُ تُرَابِهَا وَ تَشْرَبُ الْمَطَرَ» (السياب، ۲۰۰۰، ص ۲۵۴)

نتیجه

بررسی مولفه‌های شعری در بخشی از اشعار بدر شاکر سیاب و شاملو در این پژوهش بیانگر آن است که هر کدام از دو شاعر در القای مفاهیم مورد نظر خود در برخی موارد از روش‌هایی مشترک بهره گرفته‌اند. کاربرد اساطیر مختلف، بهره‌گیری از فضایی نوستالژیک به‌علاوه تنوع در کاربرد مفاهیم و مضامین شعری و مواردی از این دست رنگی ویژه به اشعار ایشان بخشیده است. لذا می‌توان زمینه‌هایی مشترک در آثار دو شاعر بیان نمود که هر کدام نیازمند بحث و بررسی گسترده‌ای می‌باشد. اما در این میان گاه تفاوت‌هایی نیز در چگونگی استفاده از تعبیر و تصاویر شعری، کاربرد موسیقی شعری دیده می‌شود، که جنبه‌ی زیبایی کلام را تقویت می‌کند.

هرکدام از دو شاعر از شرایط محیطی، سیاسی و اجتماعی زمانشان متأثر بوده‌اند، به‌طوری که برخی از مضامین و موضوعات شعری خود را باتوجه به تحولات حاکم بر عصر خود برگزیده‌اند. چنین به نظر می‌رسد، که فضای عمومی حاکم بر اشعار دو شاعر شرایط اجتماعی سیاسی و تا حدودی شخصی دو شاعر را بیان می‌دارد و چه بسا شباهت فضای سیاسی و اجتماعی حاکم بر جامعه و عصر دو شاعر منجر به شباهت در برخی مولفه‌های شعری آنها شده است و از سوی دیگر تفاوت‌های شخصیتی و نوع نگاه متفاوت دو شاعر نیز منجر به تفاوت‌هایی در اشعارشان شده است.

پی‌نوشت:

1. H.Remak

منابع و مراجع

- بیضون، حیدر توفیق. ۱۹۹۱. بدر شاکر سیاب، رائد الشعر العربی الحدیث. چاپ اول. بیروت: دار الکتب العلمیه.
- بلاطه، عیسی. ۱۹۹۱. بدر شاکر سیاب (حیاته و شعره). چاپ اول. بیروت: دار النهار.
- عوض، ریتا. ۱۹۷۸. بدر شاکر سیاب، اسطوره پرداز شعر عرب. چاپ اول. بغداد: المؤسسة العربیه للدراسات و النشر.
- شفیعی کدکنی، محمد رضا. ۱۳۸۰. شعر معاصر عرب. چاپ اول. تهران: انتشارات سخن.
- _____ ۱۳۸۹. موسیقی در شعر. چاپ دوازدهم. تهران: نشر آگه.
- فاخوری، حنا. ۱۳۸۰. جامع فی التاریخ الأدب العربی. چاپ اول. بیروت: منشورات ذوی القربی.
- دستغیب، عبدالعلی. ۱۳۸۵. نقد و تحلیل شعر احمد شاملو، شاعر عشق و سپیده دمان. چاپ اول. تهران: انتشارات آمیتیس.
- _____ ۱۳۷۳. نقد آثار احمد شاملو. چاپ اول. تهران: نشر آروین.
- شاملو، سعید. ۱۳۷۵. آسیب شناسی روانی. چاپ ششم: انتشارات رشد.
- حقوقی، محمد. ۱۳۸۰. شعر زمان ما ۱، احمد شاملو، شعر احمد شاملو از آغاز تا امروز شعرهای برگزیده تفسیر و تحلیل موفق‌ترین شعرها. چاپ پنجم، تهران: انتشارات نگاه.
- صفوی، کوروش. ۱۳۷۳. از زبان‌شناسی به ادبیات. چاپ اول. تهران: نشر چشمه.
- سلاجقه، پروین. ۱۳۸۷. نقد شعر معاصر: امیرزاده‌ی کاشی‌ها (شاملو). چاپ دوم. تهران: مروارید.
- اسماعیل‌پور، ابوالقاسم. ۱۳۸۷. اسطوره بیان نمادین. تهران: سروش.
- ابن منظور، محمد بن مکرم. ۱۴۱۴هـ. ق. لسان العرب. جلد چهارم. چاپ سوم. بیروت: دار الفکر للطباعة و النشر و التوزیع.
- عباس، احسان. ۱۳۸۴. رویکردهای شعر معاصر عرب. ترجمه‌ی حبیب‌الله عباسی. تهران: نشر سخن.
- _____ ۱۹۹۲. بدر شاکر سیاب، درسه فی حیاته و شعره. چاپ ششم. بیروت: المؤسسة العربیه للدراسات و النشر.
- پاشایی، ع. ۱۳۷۸. نام‌همه‌ی شعرهای تو؛ زندگی و شعر احمد شاملو. جلد اول. چاپ اول. تهران: نشر ثالث.
- الخطیب، حسام. ۱۹۹۹. آفاق الأدب المقارن عربیاً و عالمیاً. چاپ دوم. دمشق: دار الفکر.
- سیاب، بدر شاکر. ۲۰۰۰. الأعمال الشعریه الکامله. چاپ سوم. بغداد: دار الحریه للطباعة و النشر.
- _____ ۱۹۷۱. دیوان. چاپ اول. بیروت: دار العوده.
- صباحی مقدم، سهیلا. ۱۳۹۳. رویکردهای جدید در ادبیات تطبیقی: ادبیات مقایسه‌ای شبکه‌ای (در حوزه‌ی ادبیات پایداری). سال ۶. شماره ۱۰. نشریه ادبیات پایداری دانشگاه شهید باهنر.



دانشگاه یاسوج



انجمن علمی زبان و ادبیات فارسی

همایش ملی پژوهشهای شعر معاصر فارسی

www.anjomanfarsi.ir